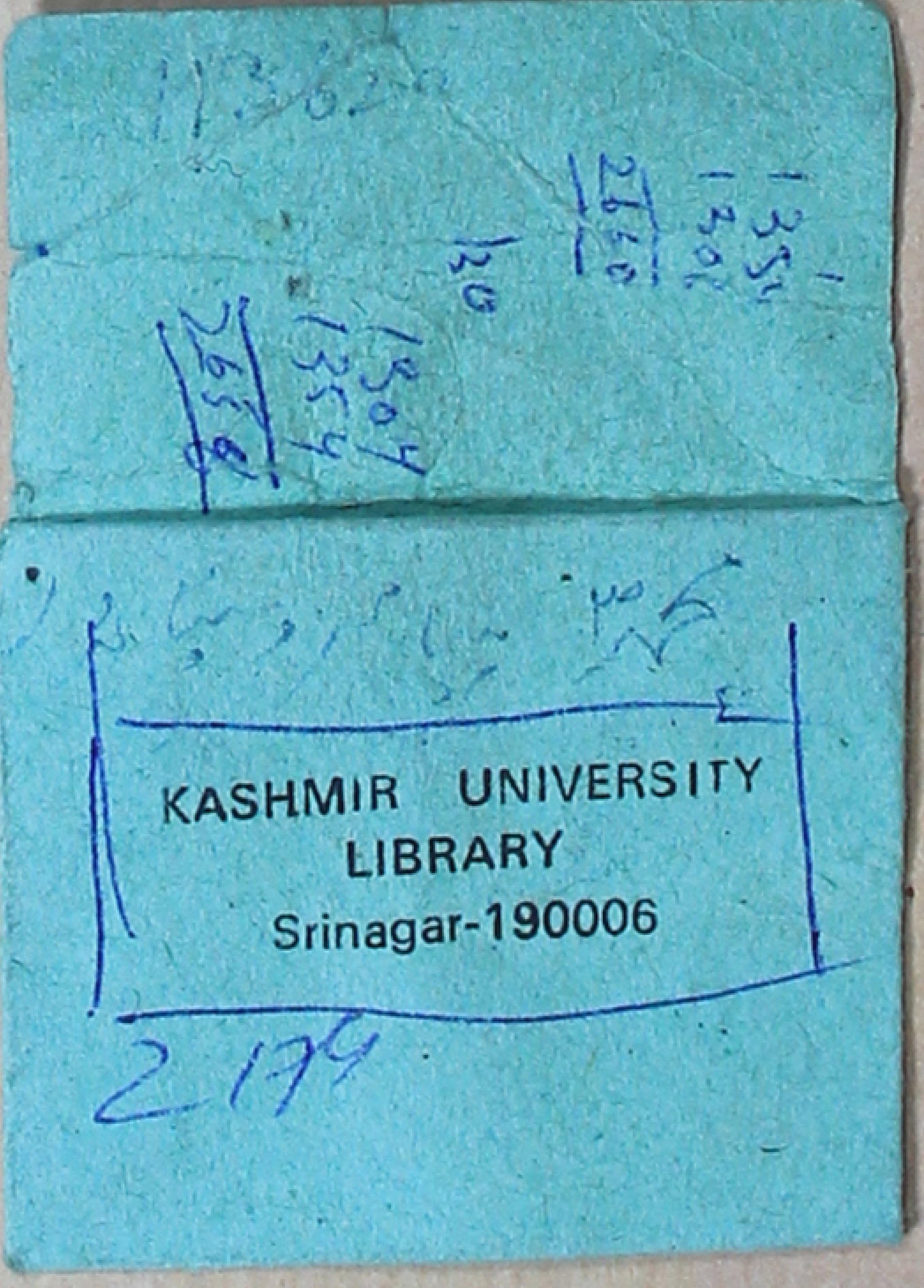
گفتگوی ادبی


KASHMIR UNIVERSITY
LIBRARY
Srinagar-190006
2179

Borrower's No.	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date
131866			
	1700		
	1700		
7 92			
590			
4301			

دانشگاه لبنان
کرسی زبان وادبیات فارسی

گفتگوی ادبی

در بارهٔ اینکه :

چرا هر يك از دو زبان فارسي وعربي در تحقيق ادبي بيكديگر نيازمندند

خلاصهٔ دو مصاحبه تلوزيوني در بيروت با رئيس كرسي زبان وادبيات فارسي دانشگاه لبنان

بيروت ۱۳۴۵ هش

Borrower's No.	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

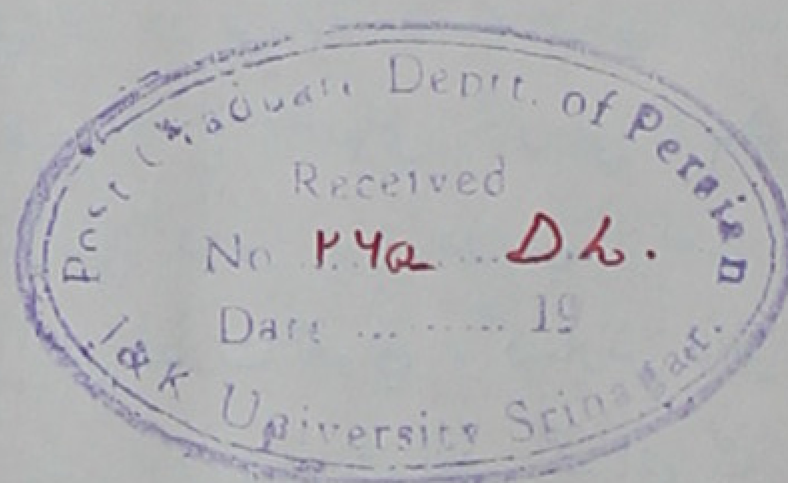
دانشگاه لبنان

کرسی زبان و ادبیات فارسی

گفتگوی ادبی

در بارهٔ اینکه :

چرا هر یك از دو زبان فارسي وعربي در تحقیق ادبي بیکدیگر نیازمندند



خلاصهٔ دو مصاحبه تلوزیوني در بیروت با رئیس کرسي زبان وادبیات فارسي دانشگاه لبنان

بیروت ١٣٤٥ هش

چرا ؟
هر يك از دو زبان فارسي وعربي در تحقيق ادبي بيكديگر نيازمندند

براي كساني كه به بحث وتحقيق در باره زبان فارسي مي پردازند هنگامي كه سخن از روابط فارسي وعربي بـه ميان مي آيد نخستين چيزي كه در وهله اول به ذهن مي رسد ، موضوع وجود كلمـــات عربي در زبان فارسي ولزوم آموختن عربي براي درك صحيح زبان وادبيات فارسي است ، وبه اين جهت است كه زبان عربي را در برنامهٔ رشته هـاي ادبيات فارسي چنان پايه ومايه اي است كـه هيچيك از زبانهاي خارجي ديگررا نيست وبراي همهٔ دانشجويان ادبيات فارسي درس عربي درسي الزامي است ،واين دانشجويان از اين درس براي افزايش قدرت لغوي وگسترش دائرهٔ اطلاعات ادبي خود بهرهٔ فراوان مي برنـــد . ولي بندرت نظر كساني كه به آموختن زبان عربي مي‌پرداختند به اين امر متوجه مي گرديد كه‌دانشجويان زبان عربي نيز براي تكميل معلومات خود به آموختن زبان وادبيات‌فارسي نيازمندند ، وايشان هم‌از درس فارسي بهرهٔ فراوان خواهند برد،وآگاهي آنان به اين زبان وادبيات آن. افقهاي تازه اي بر روي آنها خواهد گشود ودر تحقيقات‌لغوي وادبي وتاريخي كمكهاي شاياني به آنها خواهد نمود زيرا روابط ادبي بين دو

زبان فارسي وعربي در حقيقت يكجانبه نبوده بلكه دو جنبه داشته است ، وتا وقتي كه اين موضوع ازهر دو طرف آن مورد مطالعه وتوجه قرار نگيرد نه حق مطلب در اين زمينه بخوبي ادا شده ونه نتيجه اي كه معمولاً از وجود روابط فرهنگي بين دو زبان ، از لحاظ فوائدي كه در زمينهٔ گسترش لغوي وروشن شدن تحولات تاريخي آنها انتظار مي رود، بدست خواهد آمد .

از هنگامي كه كرسي زبان وادبيات فارسي در دانشگاه لبنان تأسيس گرديد، ودر مجلهٔ « الدراسات الادبية » وساير انتشارات اين كرسي موضوع روابط ادبي وفرهنگي اين دو زبان ازهر دو طرف مورد توجه وتحقيق قرار گرفت ، وتحقيقات تازه اي در اين زمينه وبه خصوص در موضوع تأثير زبان وادبيات فارسي در زبان وادبيات عرب انتشار يافت ، نظر دانشمندان ومحققان عرب هم به فوائد بسياري كه زبان فارسي ،چه از نظر تحقيقات ادبي زبان عربي وچه از نظر فهم عواملي كه در تحول لغوي وتاريخي وفرهنگي آن مؤثر بوده اند براي دانشجويان عرب دارد ، جلب گرديد ؛ ودر نتيجه ضرورت تعليم زبان وادبيات فارسي هم براي درك بهتر زبان وادبيات عرب در نزد اهل نظر وتحقيق مورد بحث وگفتگو واقع شد .

وچون ما همانطور كه در آغاز هفتمين سال مجله الدراسات الادبية نوشتيم معتقديم كه در مسائل اساسي علمي آنچه داراي اهميت واعتباراست اقناع اهل فكروراي ومعتقد شدن صاحبنظران به آن مسائل است ،به اين جهت از طرح اين مسئله در محافل علمي وبين استادان ودانشمندان استقبال كرديم ، وكوشيديم تا علل طرح اين مسئله ودلائلي كه توجه به آن را از نظر علمي وادبي ضروري مي سازد شرح دهيم ، وخوشوقتيم كه اين كاربه نتيجه هاي

نیکي هم رسید . از جملهٔ اقداماتي که در این زمینه صورت گرفت یکي هم تشکیل دو جلسه مصاحبهٔ تلویزیوني بوسیلهٔ چندتن از استادان وادباي معروف بود که از رئیس کرسي زبان وادبیات فارسي دانشگاه لبنان‌هم براي شرکت در آن‌دعوت‌شد تادر آن‌جلسات فعالیتهاي علمي‌این کرسي‌وروابط ادبي‌وفرهنگي در زبان فارسي وعربي‌وهمچنین نظریه ضرورت‌تعلیم‌زبان وادب فارسي‌در رشته هاي ادبي‌دانشگاههاي‌عربي مورد گفتگو قرار گیرد . این دو مصاحبه یکي در تاریخ ۲۸ – ۱۲ – ٦٤ ودیگري در تاریخ ۲٤ – ۳ – ٦٦ در برنامه مخصوص تلویزیون‌لبنان به عنوان «بامتفکران » که بوسیلهٔ‌چندتن از استادان واهل ادب اداره مي شود تشکیل گردید ، وچون متضمن مطالبي اساسي در بارهٔ مسائـــل مورد گفتگو وهمچنین اصولي است که در زمینهٔ روابط ادبي دو زبان باید مورد توجه قرار گیرد ، خـلاصهٔ هردو مصاحبه را در اینجا درج مینمائیم .

این گفتگو را آقاي فؤاد البوبو دانشیار دانشگاه لبنان‌ومدیر برنامه بابیانات زیر آغاز کردند :

•

خانمها وآقایان : ادبیات عربي وهر ادبیات دیگري‌در واقع آمیخته اي‌است از آداب مختلفي که همه دریك قالب ریخته شده وآن قالب زباني است که وسیله تعبیر وبیان آن قرار میگیرد. آشنائي با سرچشمه‌ها وهمچنین عوامل خارجي که در ادبیات یك زبان تأثیر کرده براي کسانیکه بخواهند در آن ادبیات تحقیق کنند ومتون آن را بفهمند واندیشه ها ونمونه هائي که در آن وارد شده بخوبي دریابند کمال ضرورت‌رادارد . این مطلب درکتابهائي هم که از ادباي قدیم بجاي مانده مانند کتاب ابن الندیم یا کتاب الحیوان جاحظ ودیگران نیز ذکر گردیده است . جاحظ در کتاب الحیوان گوید : « کتابهاي هند بعربي ترجمه

شد وحکمت یونان نیز به این زبان نقل گردید وادبیات ایرانیان نیز بـه آن برگردانده شد » ، در این جا اجازه میخواهم که قدري در این عبارت أخیر جاحظ دقت بیشتري کنم. جاحظ در بارهٔ ادبیات ایران نه کلمهٔ ترجمه را بکار میبرد ونه کلمهٔ نقل را ، بلکه در این مورد کلمهٔ تحول یعني برگرداندن را استعمال کرده ، واین بدان جهت است که خواسته با این عبارات اثر بسیار نافذ وقاطعي را که ادبیات فارسي در زبان عربي بجاي گذارده نشان دهد ، وما میدانیم که بسیاري از کتب علمي عربي‌را نویسندگان ودانشمندان ایراني الأصل تألیف کرده اند ، ودر این مورد کافي است که کتاب سیبویه را که نخستین کتاب علمي در دستور زبان عربي است ذکر کنیم .

زبان عربي وتمدن عربي ازهر لحاظ تحت تأثیر ادبیات وتمدن ایران قرار گرفته ، همچنانکه زبان عربي هم بنوبهٔ خود در زبان‌وادبیات ایران‌اثر گذاشته ، یعني اینکه این تأثیر یك عمل متقابل وداد وستد دو جانبه بوده است ، وامشب اقاي دکتر محمدي استاد ادبیات عرب در دانشگاه تهران که اکنون استاد ورئیس کرسي زبان وادبیات فارسي دانشگاه لبنان هم میباشند قبول زحمت فرموده ودعوت مارا اجابت نموده اند تا در بارهٔ این تأثیر متقـــابل براي ما بیاناتي ایراد نمایند .

یکي از فعالیتهاي کرسي زبان وادبیات فـارسي دانشگاه لبنان مجلهٔ « الدراسات الادبیة » است که بوسیلهٔ این کرسي انتشار میبابد . این مجـله بیشتر بمطالعات وتحقیقات علمي وادبي وزین میپردازد ، وبهمین جهت از آغاز انتشارش چه در لبنان وچه در خارج‌وچه در محافل‌خاور شناسان داراي‌موقعیت ممتاز وجالب توجهي بوده‌وهست ،وفعلاً براي اینکه‌وقت بیشتري ازشما نگیریم وبه اصل مطلب بپردازیم سؤالات خودرا شروع مي کنیم :

●

س ـ استاد ، آيا ممكن است دربارهٔ مركز زبان وتحقيقات فارسى دانشگاه لبنان اطلاعاتي در اختيار ما بگذاريد ؟

ج ـ كرسي زبان وادبيات فارسي دانشگاه لبنان نزديك هشت سال است كه تأسيس شده ، وتأسيس آن جزئي از برنامهٔ همكاري علمي بين دانشگاه طهران واين دانشگاه است . در دانشگاه لبنان درس زبان وادبيات فارسي براي دانشجويان رشته هاي ادبيات عرب وتاريخ عربي واسلامي تدريس ميشود ، واين بدين منظور است كه آنان در موضوعاتي كه قصد تخصص دارنـــد معلومات بيشتري كسب كنند ، يا بعبارت بهتر معلومات خودرا در اين كرسي تكميل كنند . اينكه ميگويم تكميل كنند براي اين است كه دو ادبيات فارسي وعربي بواسطهٔ پيوند استوار وتأثير متقابلي كه در گذشته بين آنها وجود داشته وبخصوص در عصر عباسي كه اين پيوند به حد آميزش رسيده هريك از آن دو در سطح علمي وتحقيقاتي مكمل يكديكر شده اند ، وبهمين جهت محققان ودانشمندان هر دو زبان را عقيده بر آن است كه آموختن هر يك از آن دو براي كسانيكه بخواهند در أدبيات زبان ديگر تحقيق ومطالعه كنند ضروري است .

س ـ كرسي زبان وادبيات فارسي مجله اي بنام « الدراسات الادبيـة » منتشر ميكند ، آيا ممكن است اطلاعاتي هم دربارهٔ اين مجله در اختيار مـــا بگذاريد كه چگونه تأسيس شده وچه موضوعاتي بيشتر در آن مورد بحث وتحقيق قرار ميگيرد .

ج ـ فعاليتهاي علمي اين كرسي تنها منحصر به جنبه آموزشي آن نيست ، بلكه در زمينهٔ تحقيقات ومطالعات علمي نيز فعاليتهائي دارد . مسائلي كه مورد توجـه اين كرسي است بيشتر در زمينه هاي سنجش ادبي است ، يعني بحث وتحقيق در بارهٔ موضوعات مشترك بين ادبيات فارسي وعربي وحدود همكاري آن دو در دوره هاي قديم وآثاري كه از اين همكاري در هريك ازآن دو به ظهور رسيده

است . وچون اینگونه تحقیقات در ادبیات هر دو زبان تازه است ، ما ازهمان روز اول که به این کار دست زدیم دریافتیم که به یك نشریهٔ علمي ودانشگاهي احتیاج داریم ، تا ازیك طرف نتیجهٔ مطالعات وتحقیقات این کرسي را در این زمینه‌ها در اختیار استادان ومحققان در سایر دانشگاهها بگذارد ، واز طرف دیگر وسیلهٔ ارتباط وآشنائي وواسطهٔ تبادل معلومات بین علماي هر دو زبان باشد ، وبهمین جهت است که این مجله به دو زبان منتشر میشود ، بدین ترتیب که تحقیقات مربوط بزبان وادبیات وتاریخ وفرهنگ ایران براي اطلاع علما ودانشمندان عربي زبان غالباً بزبان عربي وآنچه مربوط بادبیات وفرهنگ عربي باشد براي اطلاعات فارسي زبانان بزبان فارسي منتشر میگردد ، تاهر دو دسته ازعلماي هر دو زبان از گنجینه هاي ادبي وفرهنگي زبان دیگر مطلع گردند . این مجله اکنون ششمین سال انتشار خود راطي میکند ١

س — چنانکه اطلاع داریم شما تاکنون کتابهاي متعددي در همین زمینه‌ها تالیف کرده اید که قسمتي از آنها بزبان فارسي وبیشتر بزبان عربي است ، از آن جمله آنها که شخصاً دیده ام یك کتاب بفارسي در بارهٔ تأثیر فرهنگ ایران در تمدن اسلام وعرب است ، ودیگر کتابي به عربي در بارهٔ تاریخ ادبیات قدیم عرب . ودو جلد دیگرهم باز بعربي در بارهٔ نثر وشعر معاصر عربي است ، که همه جزء انتشارات دانشگاه تهران به چاپ رسیده واز کتابهاي درسي آن دانشگاه است . ولي در اینجا میخواهیم در بارهٔ کتاب دیگري غیر ازآنچه ذکر شد از شما اطلاعاتي کسب کنیم ، وان کتابي است که در موضوع « ترجمه ونقل از زبان فارسي بعربي در قرنهاي نخستین اسلامي » تألیف کرده اید واخیراً جزء انتشارات کرسي زبان وادبیات فارسي دانشگاه لبنان بچاپ رسیده ومنتشر شده است . این کتاب چنانکه از عنوان آن پیدا است

---

١ – این مصاحبه در سال گذشته به عمل آمد که مصادف با سال ششم مجله بود

جلد اول از سلسله اي است که بنام « سر چشمه هاي ايراني ادبيـــات عرب » خوانده ميشود . آيا ممکن است در بارهٔ اين سر چشمه ها وجويبارهاي فرهنگي ايران که در ادبيات عربي جريان يافته نيز اطلاعاتي بما بدهيد ؟ البته زبان عربي هم در زبان وادبيات فارسي تأثير داشته چنانکه اثر آن در خط وروشهاي ادبي فارسي ظاهر است ، ولي موضوع امروز ما اين است که در بارهٔ ترجمه ونقل از زبان فارسي بعربي گفتگو کنيم .

ج - اين کتاب نيزيك حلقه از سلسله تحقيقاتي است کـه در اين کرسي بدان ميپردازيم ، وهمانطور که بيان نموديد موضوع آن ترجمه ونقل از فارسي در قرنهاي نخستين اسلامي است . شما بخوبي اطلاع داريد که تحول وپيشرفتي که در دوره عباسي در ادبيات عربي حاصل گرديد همچنانکه همـهٔ محققان معتقد هستند نتيجهٔ برخورد زبان عربي بافرهنگ ملتهاي ديگري بود که در ادبيات وهنر سابقهٔ طولاني داشته ، ويك چنين تحول وپيشرفتي براي هر زباني که از حدود جغرافيائي وملي خود تجاوز کند وبخواهد ميراث فرهنگي ومدني انساني رادر بر گيرد امري طبيعي است ، وبهمين جهت براي درك ادبيات عرب در اين دوره ضرورت دارد که عناصر خارجي هم که در آن اثر گذارده واز عوامل تحول وپيشرف آن بوده اند نيز شناخته شوند ، واز آنجا کـه مهمترين عناصر خارجي يا بعبارت بهتر بزرگترين سر چشمه هاي ادبيـات عرب در اين دوره سرچشمه هاي ايراني بوده ، از اين جهت بحث وتحقيق دراين سر چشمه ها هم جزئي از تحقيقات در بارهٔ ادبيات دورهٔ عباسي است ، وشکي نيست که نخستين گامي که در زمينه اينگونه تحقيقات بايد برداشته شود اين است که راههاي اصلي ومستقيمي که اين دو ادبيات رادر گذشته بهم ميپيوسته روشن شود ، واين راه أساسي ومستقيم همان راه ترجمه ونقل مستقيم است ، وبهمين جهت ما به اين موضوع پرداختيم تا معلوم شود که درچه رشته هائي از رشته هـــاي ادبي کتابهائي از زبان پهلوي به عربي ترجمه شده ،آن کتابها ازچه دسته اي ونوع

مطالب آنها چگونه بوده ، وچه نوع کتابها یا آثاري در عربي تحت تأثیر آنها بوجود آمده ، وامثال اینگونه مسائل که البته احتیاج به پي جوئي وپژوهش دارد . لیکن در این جلد اول دامنهٔ بحث ما از دو دسته از این کتابهاي ترجمه شده تجاوز نکرده ، وآنها یکي دسته کتابهائي است که در بارهٔ پادشاهان وامور مملکت داري واداره دولت وامثال اینها تألیف میگردیده ومعمولاً بنام « تاجنامه » خوانده میشده ، ودسته دیگر کتابهائي است که در بارهٔ قواعد ورسوم واداب وبعضي موضوعهاي علمي یافني یا هنري تألیف میشده وبنام « آیین نامه » خوانده میشده اند .

غیر از آنچه ذکر شد موضوعهاي دامنه دارتر دیگري هم دراین زمینه براي بحث وتحقیق هست ، مانند رشته رسائل ادبي وعهد نامه ها ورشته تاریخ وقصه وداستان وادبیات اخلاقي وبسیاري موضوعات دیگر که همه احتیاج به تحقیق وپژوهش دارند .

* * *

س – شما چه در سخنرانیها وچه درنوشته هاي خود پیوسته براین نکته تکیه مینمائید که آموختن زبان وادبیات فارسي براي درك بهتر زبان وادبیات عرب لازم وبراي تحقیق در فرهنگ وادب این زبان ضروري است وبهمین جهت هم در دانشگاه لبنان زبان وادبیات فارسي در رشتهٔ ادبیات عرب جزء دروس اساسي واجباري شده ، چون این مطلبي است تازه واحتیاج به توضیح بیشتري دارد ممکن است بفرمائید که شما براي تأیید این نظر خود چه دلائلي دارید؟

ج – این مطلب صحیح است که من در نوشته وگفته هاي خود بر این مطلب تکیه میکنم ولي این نظریه اي نیست که من آن را بوجود آورده باشم ، بلکه مطلبي است که تحقیقات وپژوهشهاي لغوي وتاریخي وادبي آن را بر ما

تحصیل میکند ومن یقین دارم که هر قدر دامنهٔ تحقیقات تاریخي وعلمي دراین دو زبان وبخصوص در زبان عربي گسترش یابد وپیوستگي تاریخي آن بازبان وادب فارسي آشکارتر گردد این مطلب مسلم تر خواهد گردید. دلائلي که مارا بلزوم تحصیل فارسي براي دانشجویان رشتهٔ ادبیات عرب دردانشگاههاي عربي وادار میکند همان دلائلي است که براي لزوم تحصیل عربي براي دانشجویان رشتهٔ ادبیات فارسي در دانشگاههاي ایران وسایر کشورهاي فارسي زبان میتوان اقامه کرد، وآن هم پیوستگي فرهنگي وتاریخي وآمیزش لغوي این دوزبان وآثار بسیاري است که ازهر یك در دیگري وجود دارد، زیرا چنانکه گفتیم این دو زبان از لحاظ فرهنگ وادب به اندازه اي به هم پیوسته اند که تفکیك آنها در زمینهٔ تحقیقاتي مشکل بنظر میرسد ودر همهٔ موسسات علمي وخاور شناسي هم فارسي وعربي تقریبا یك زمینه تحقیقاتي را تشکیل میدهند، مثلا از نظر لغوی کسي که بخواهد در رشته زبان وادبیات عربي تخصص حاصل نماید واصول کلمات وتحولات آنهارا تشخیص دهد همان احتیاج را به دانستن زبان فارسي دارد که داو طلب تخصص در زبان وادبیات فارسي به اموختن زبان عربي دارد. صحیح است که اثر زبان عربي در فارسي هم نمایان تر وهم بیشتر است، ولي این امر در اصل موضوع تغییري نمیدهد زیرا این ضرورتي را که ما براي آموختن زبان فارسي جهت دانشجویان عربي زبان معتقدیم همانطور که ذکر کردیم در حد تخصص است نه در سطح عادي. در بارهٔ لزوم تعلیم زبان عربي هم براي فارسي زبانان نیز همین عقیده را داریم، چون یك نویسنده یا خواننده عادي یا کسي که در رشته هاي علمي وفني کار میکند وکارش مطالعات لغوي وادبي نیست همین قدر که معنی مصطلح کلمه اي را بخوبي فهمید براي او کافي است، دیگر ضرورتي ندارد که اصل وریشه وکیفیت اشتقاق وتحولات تاریخي آن را هم بداند، البته اگر این راهم دانست این فضیلتي است ولي ضرورت نیست، اما براي دانشجوي رشتهٔ ادبیات، یعني کسي که چه در دورهٔ تحصیل وچه پس از آن سر

وكارش با زبان وادبيات وتحقيق ومطالعه در اين رشته است ، مسئله صورت ديگري به خود مي گيرد ؛ در آنجا ضرورت دارد كه هم دانشجوي عربي زبان مهمترين زباني را كه در عربي هم از لحاظ لغت وهم از لحاظ ادب تأثير گذاشته يعني زبان فارسي را كه از آن صدها وهزارها كلمات شناخته وناشناخته در عربي راه يافته خوب بشناسد ، وهم بر دانشجوي ادبيات فارسي فرض است كه زبان وادبيات عربي را تا آن اندازه كه آنها را بر درك صحيح زبان وادبيات فارسي وتحولات آن ياري كند بياموزد .

ديگر از مواردي كه آشنائي بازبان وادبيات فارسي براي محققان عرب ضرورت مي يابد در موضوع تاريخ وبه خصوص تاريخ فرهنگ وتمدن اين منطقه عربي واسلامي است. در اينجا تكرار اين نكته البته ضرورتي ندارد كه دوره عباسيان تمدن وفرهنگ عربي واسلامي بطوري باتمدن وفرهنگ ايراني آميخته شد كه تفكيك آنها غير ميسر است، ودر دوران اسلامي هم پيوسته فرهنگ ايران يكي از منابع فياض فرهنگ وتمدن عربي بشمار ميرفته ، بنا براين طبيعي است كه هر گاه محقق ومورخ عربي بخواهد در بارهٔ تاريخ وتاريخ فرهنگ عربي تحقيق كند اگر از تاريخ وفرهنگ ايران در بهترين مظاهر آن كه زبان وادبيات فارسي باشد بي اطلاع بماند يكي از منابع اصلي واساسي كار خودرا ازدست داده است . در باره تاريخ عمومي عرب وتحقيق در آن كه درهر حال از تاريخ اسلام جدا نيست اين مطلب راهم بايد ياد آور بود كه گذشته از دوران پيش از مغول كه در زبان فارسي هم مؤلفات تاريخي چندي بوجود آمده، از بعد از مغول تواريخ قسمت بزرگي از عالم اسلامي بزبان فارسي تاليف شده كه در آن زمينه ها در زبان عربي مؤلفاتي به آن اهميت وجودندارد، وهر گونه تحقيق تاريخي در آن دوره ها بدون مراجعه به آن مصادر تاريخي ناقص

ونارسا خواهد بود. به این دلائل و دلائل دیگری که در اینجاجای تفصیل آنها نیست بنظر ما در سطح علمی و تحقیقاتی زبان و ادبیات فارسی و عربی هر یك مکمل یکدیگرند وهر دو بیك اندازه بیکدیگر احتیاج دارند وهیچ یك ازدیگری بی نیاز نخواهد بود .

س – گذشته از زمینهٔ تاریخی وتحقیق در ادبیات کلاسیك عربی ایا بنظر شما آموختن زبان وادبیات فارسی در حال حاضر چه نفعی برای دانشجویان عرب خواهد داشت .

ج – برای اینکه از گفته های سابق ما این نتیجه گرفته نشود که زبان فارسی تنها بدرد محققانی خواهد خورد که بخواهند در لغت یا فرهنگ وتاریخ گذشته عرب تحقیق نمایند و زبانی نیست که در عصر حاضر هم رسالتی داشته باشد تا بتواند خواننده ای راراضی وخورسند سازد ، شاید طرح این مطلب ضرورت داشته باشد. در این مورد لازم میدانم به این مطلب بطور اجمال اشاره کنم که چون ادبیات زبان فارسی وبخصوص ادبیات منظوم آن بیشتر جنبهٔ انسانی وجهانی دارد تا جنبه محلی، از این جهت همیشه برای خوانندگان غیر ایرانی هم همان فوائد روحی ومعنوی رادر بردارد که برای خوانندهٔ ایرانی، از این جااست که زبانهای کمی را می توان نشان داد که آثار ادبی وفکری آنها به این کثرت وبه این کیفیت که آثار فارسی را بوده است بزبانهای دیگر ترجمه شده باشد، واین بدان جهت است که ادبیات منظوم زبان فارسی وبخصوص آنها که از عرفان ایرانی هم مایه ای گرفته باشند باز گوی افکار واندیشه ها وآرزوهای درونی وروح زیاده طلب وسر کوفته انسان درهمه وقت ودر همه جا است، واختصاص به زمان ومکان معینی ندارد، وبه هر زبان که ترجمه شود اهل آن زبان در خلال سطور آن تعبیری از مکنونات درونی خویش راخواهند یافت وبهمین جهت دانشجویان عربی زبان هم از تحصیل این ادبیات فوائد ومنافع بیشمار خواهند برد که شاید مهمتر از همه سعهٔ افق دید آنها درجهت انسانی وجهانی است ، وشاید بتوان گفت که در دنیای

کنوني که خواه ناخواه باید در جهت وحدت انساني وجهاني سیر کند ادبیاتي که چون ادبیات فارسي انباشته از زبده افکار وتجارب دانایان وحکیمان واهل نظر واندیشه باشد رسالتي بس ارجمند خواهد داشت ،وآن گسترش روح انسان‌دوستي وجهان بیني وشکستن حلقه هاي‌تنگي است که بشر را در حال حاضر هم مانند دوره هاي تاریك گذشته در بند خود نگه داشته است ، که اگر با همین نظر وبهمین قصد مورد مطالعه قرار گیرد شاید پاسخ بسیاري از مشکلات روحي عصر حاضر رابتوان در آن یافت .

لماذا ؟
كان تعلم كل من العربية والفارسية ضرورياً
لدراسة اللغة الاخرى وآدابهـــا

ان اول ما يتبادر الى ذهن الدارسين للغة الفارسية حينما يكون الحديث عن الروابط الفارسية العربية ، هو موضوع الكلمات العربية التي دخلت الفارسية ، ووجوب تعلم اللغة العربية على كل من يريد دراسة اللغة الفارسية وآدابها، ولذلك نرى ان اللغة العربية احتلت في برامج المعاهد الادبية الفارسية مكانة لا تجاريها فيها اية لغة اخرى ، واصبح تعلم العربية لزاماً على كل طالب للادب الفارسي ، يستفيدون منه في تعزيز مقدرتهم اللغوية ، وتوسيع دائرة معلوماتهم الادبيــة استفادة كبيرة ولكن قلما كانت انظار الدارسين للغة العربية تتوجه الى مـا يستفيده طلاب الادب العربي من درسهم للغة الفارسية وادابها ، مع ان هذا الدرس يضمن لهم فوائد جمة، ويفتح لهم المامهم بهذه اللغة وادابها افاقاً جديدة تساعدهم في دراساتهم اللغوية والادبية والتاريخية مساعدة فعالة ، لان الروابط الادبية بين اللغتين العربية والفارسية لم تكن في الواقع من جانب واحد فقط بل كانت من الجانبين جميعاً ، فما لم تدرس هذه العلاقات من كلا طرفيهـا ، فان الموضوع لن يوفى حقه، ولن يتم الوصول الى النتيجة المتوخاة عادة من قيام روابط ثقافية بين لغتين ، والى الثمرات التي تجنيها كل واحدة منهما في سبيل توسيعها ،

وايضاح معالمها التاريخية وما طرأ عليها من تطور وتبدل .

ومنذ ان تأسس قسم اللغة الفارسية وآدابها في الجامعة اللبنانية ، طرح على بساط البحث في مجلته « الدراسات الادبية » وفي منشوراته الاخرى ، موضوع الروابط الادبية والثقافية بين اللغتين من جانبيها ، وظهرت في هذا الحقل خصوصاً في موضوع تأثير اللغة والآداب الفارسية في اللغة والآداب العربية ، بحوث ودراسات جديدة قيمة حوّلت انظار العلماء المحققين الى ما تتضمنه دراسة اللغة الفارسية للطلاب العرب من فوائد جمة في دراساتهم العربية ، وفي تسهيل فهم العوامل المؤثرة في تطور اللغة العربية لغوياً وتاريخياً وحضارياً ، ومن ثم وجوب تعلم اللغة الفارسية والادب الفارسي من اجل فهم اللغة العربية والادب العربي فهماً افضل ؛ وبما اننا نؤمن ان الهام في المسائل العلمية الكبرى هو اقناع المفكرين واهل الرأي بتلك المسائل ، لذا فقد رحبنا ببحث هذا الموضوع في المحافل العلمية وبين الاساتذة والعلماء ، وعملنا على شرح العلل والاسباب التي توجب طرحه وبحثه ، وتجعله ضرورة من الناحية العلمية ، وكان مما ساعد وساهم في بحث هذا الموضوع واجلائه عقد جلستين تلفزيونيتين في شركة التلفزيون اللبنانية ببيروت ، دعي اليها عدد من الاساتذة والادباء المعروفين ، ودعي للاشتراك فيها رئيس قسم اللغة الفارسية وادابها في الجامعة اللبنانية للتحدث عن نشاطات هذا القسم ، وعن الروابط الادبية والثقافية بين اللغتين الفارسية والعربية ، وكذا ضرورة تعليم اللغة الفارسية والادب الفارسي في الفروع الادبية بالجامعات العربية ، وقد انعقدت الجلسة الاولى بتاريخ ٦٤/١٢/٢٨ ، والثانية بتاريخ ٦٦/٣/٢٤ في البرنامج الخاص الذي يحمل عنوان (مع المفكرين) ولما كانت تانك الجلستان قد تضمنتا بحوثاً وموضوعات اساسية حول المسائل المطروحة وكذا حول القواعد والاسس الواجب الاهتمام بها في موضوع الروابط الادبية بين اللغتين ، رأينا ان نوضح في هذه الصفحات خلاصة لأحاديث تينك الجلستين .

وقد مهد الاستاذ فؤاد البوبو – الاستاذ المساعد بالجامعة اللبنانية ومدير البرنامج – للحديث بالمقدمة التالية :

سيداتي سادتي :

ان الادب العربي ، وكل ادب آخر ،مزيج في الواقع من آداب مختلفة صبت في قالب واحد هـــو قالب اللغة التي تغدو اداة بيانها والتعبير عنها ، وان التعرف على الينابيع التي استقت منها اداب لغة من اللغات ، وكذا العوامـــل الخارجية التي اثرت فيها ، هو من الضرورات الاولى لمن يريدون التحقيق في تلك الآداب وفهمها ، أو اكتشاف الافكار والموضوعات التي نفذت وانتقلت اليها من اللغة او اللغات الاخرى ، وقد ذكر هذا الامر في عديد من الكتب المتبقية من قدماء اعلام الادب، ككتاب ابن النديم ، او كتاب الحيوان للجاحظ وسواهما. يقول الجاحظ في كتاب الحيوان : « لقد تُرجمت كتب الهند الى العربية ونقلت حكمة اليونان وُحولت آداب الفرس » هنا اريد ان اتوقف قليلاً عند عبارة الجاحظ هذه ، لنلاحظ ان الجاحظ لم يستعمل للاداب الفارسية كلمة ترجمة او عبارة نقل ، بل استعمل التحويل ، وذلك ليظهر ما كان للآداب الفارسية في اللغة العربية من اثر نافذ وقاطع جداً ، ونحن نعلم ان كثيراً من الكتب العلمية العربية ألفها كتاب وعلماء من اصل فارسي ، ويكفي هنا ان نذكر كتاب سيبويه ، الذي هو اول كتاب علمي في قواعد اللغة العربية .

ان اللغة العربية والحضارة العربية تأثرا بالآداب والحضارة الفارسية في كل ناحية من نواحيها ، كما اثرت اللغة العربية بدورها في اللغة الفارسية وفي ادابها، اي ان التأثير كان متبادلاً ومشتركاً بين اللغتين ، وقد تلطف حضرة الدكتور محمد محمدي استاذ الادب العربي في جامعة طهران ، والذي هو اليوم كذلك استاذ الفارسية ورئيس منبر اللغة الفارسية وآدابهـــا في الجامعة اللبنانية فقبل دعوتنا

ليحدثنا الليلة حول هذا التأثير المتبادل بين الثقافتين الشرقيتين العريقتين .

ان احد مظاهر نشاطات منبر اللغة الفارسية وآدابها في الجامعة اللبنانية مجلة « الدراسات الادبية » التي يصدرها هذا المنبر ، وهذه المجلة تهتم بصورة خاصة بالدراسات والتحقيقات العلمية والادبية الرصينة ، وهذا هو السبب في ان هـذه المجلة حظيت منذ ظهورها ،سواء في لبنان اوفي خارجه ، وفي محافل المستشرقين، باهتمام بالغ وتقدير هي به جديرة .

والآن لكي لا آخذ مـــدى اكثر من وقتكم ولكي ندخل في صلب الموضوع ، ننتقل الى سؤالاتنا مع ضيفنا الدكتور :

س – هل يمكن يا دكتور ان تحدثونا عن منبر اللغة والدراسات الفارسية في الجامعة اللبنانية بما يعطينا فكرة واضحة عن فعالياته واعماله ؟

ج – تأسس منبر اللغة الفارسية وآدابها في الجامعة اللبنانية منذ ما يقرب من ثماني سنوات ، وقـــد كان تأسيسه جزءاً من برنامج التعاون العلمي بين جامعة طهران وهذه الجامعة . ان اللغة والآداب الفارسية تدرس في الجامعة اللبنانيـة لطلاب الادب العربي والتاريخ ،والغاية من ذلك طبعاً هي إتاحة الفرصة لاكتساب معلومات اكثر في الموضوعات التي يعتزمون التخصص فيها ، او بعبـارة افضل ليكملوا بواسطة هذا المنبر معلوماتهم .

واذا قلت ليكملوا معلوماتهم ، فذلك لان اللغتين العربيـــة والفارسية ، بسبب ما كان بينهما في الماضي ، وخاصة في العصر العباسي ، من روابط متينة وتأثير متبادل لدرجة تبلغ حد الاختلاط ، صارتا في آدابهما مكملتين لبعضيهما ، ولذا يعتقد العلماء وارباب التحقيق ان تعلم اللغتين كلتيهما ضروري لكل من يريد ان يحقق أو يدرس اية واحدة منهما .

س – يصدر منبر اللغة الفارسية وادابها مجلة باسم « الدراسات الادبية » ، فهل يمكن ان تحدثونا بشأن هذه المجلة ، عن كيفية تأسيسها ، والغاية منهـا والموضوعات التي تهتم ببحثها ونشرها بصورة خاصة ؟

ج – ان النشاطات العلمية لهذا المنبر لا تنحصر بالناحية التعليمية ، بل ان له فعاليات ونشاطاً على صعيد التحقيقات والدراسات العلمية ، ان الموضوعات التي تنال من هذا المنبر اهتمامـاً أوفر ، هي على الاكثر في ميدان الادب المقارن والبحوث المشتركة بين الادبين الفارسي والعربي ،وحدود تعاونهما وتلاقحهما في العهود السابقة ، والآثار الادبية والفكريـة والفنية التي كانت نتيجة ذاك التعاون والتلاقح في كل منهما ، ولما كان هذا النوع من الدراسات التحقيقية بين الادبين جديداً ، فاننا ، منذ ان شرعنا في هـذا العمل ، احسسنا بالحاجة الى نشرة علمية جامعية تنشر من جهة الدراسات والبحوث التي تتم في هذا المنبر فتضع بذا نتائج هذه الدراسات تحت تصرف العلمـاء والمحققين ، في سائر الجامعات ، كما تكون ، من جهة اخرى ، جسراً للاتصال وواسطة للتعارف ولتبادل المعلومات بين علماء اللغتين ، وهذا هو السبب في جعلها تصدر باللغتين معاً ، ناشرة البحوث الدائرة حول اللغة والآداب والتاريخ والثقافة الفارسية باللغة العربية على الغالب ، ليطلع عليها علماء العربية بلغتهم ، والبحوث المتعلقة بالادب واللغة والثقافة العربية باللغة الفارسية ، ليطلع عليها كذلك علماء هذه اللغة بلغتهم ، وبذا تقف هذه المجلة علماء كل من الثقافتين على كنوز الثقافة الاخرى وجمالاتهـا ، ولنذكر بالمناسبة ان مجلتنا هـذه تطوي الآن السنة السادسة من عمرها[1] .

---

١ – كانت هذه المقابلة اثناء ظهور المجلد السادس .

س ــ الذي نعلمه ان لحضرتكم حتى الآن عدة مؤلفات في هذا المضمار ظهر بعض منها باللغة الفارسية ومعظمها باللغة العربية ، من جملتها كتاب رأيته شخصياً باللغة الفارسية عن تأثير الثقافة الايرانية في الثقافة الاسلامية والعربية ، وكتاب آخر بالعربية عن تأثير الادب العربي القديم ، وجزءان آخران بالعربية ايضاً ، احدهما عن النثر العربي المعاصر والآخر عن الشعر العربي المعاصر ، وكلها من منشورات جامعة طهران ومما يدرّس في صفوفها ، ولكننا نريد ان تحدثونا عن كتاب آخر غير ما ذكرناه هو كتابكم عن « الترجمة والنقل عن الفارسية الى العربية في القرون الاسلامية الاولى » الذي ظهر اخيراً في منشورات قسم اللغة الفارسية وادابها في الجامعة اللبنانية ، فهذا الكتاب ، كما هو ظاهر من غلافه ، هو الجزء الاول من سلسلة جعلتم لها اسم « الروافد الفارسية في الادب العربي » ، فما نريد ان تحدثونا عنه هو هذه الروافد والانهار الثقافية الفارسية التي صبت في الادب العربي وامتزجت به ؛ لقد كان للغة العربية طبعاً اثر ايضاً في اللغة الفارسية والادب الفارسي كما نرى بصورة بارزة في الخط وفي الاساليب الادبية الفارسية ، ولكن موضوعنا اليوم هو حول الناحية المعاكسة ، اي الترجمة والنقل عن الفارسية الى العربية .

ج ــ ان هذا الكتاب هو بدوره حلقة من سلسلة التحقيقات التي نقوم بها في هذا المنبر ، وموضوعه ، كما تفضلتم ، الترجمة والنقل عن الفارسية في القرون الاسلامية الاولى . انكم تعلمون جيداً ان ما عرفه الادب العربي في العصر العباسي من تطور وتقدم ، كان ــ كما يعتقد كل المحققين ــ نتيجة احتكاك اللغة العربية بثقافات شعوب اخرى ، كان لها سوابق عريقة في الاداب والفنون ، ومثل هذا التطور طبيعي في كل لغة تتجاوز حدودها الجغرافية والعنصرية ، وتحاول ان تستوعب ميراث الانسانية الثقافي والمدني . ولذا ، فمن الواجب لفهم الادب العربي في تلك المرحلة ، التعرف كذلك على العناصر الخارجية التي خلفت اثراً

فيه ، والتي كانت من عوامل تطوره وتقدمه ، وبما ان اهم العناصر الخارجية ـ او بعبارة افضل اغزر الروافد ـ في الادب العربي في تلك الفترة كانت الروافد الفارسية ، لذا فـــان دراسة هذه الروافد هي في الواقع دراسة في ادب العصر العباسي ؛ وليس من شك في ان اول خطوة يجب ان تُخطى في هذا السبيل هي توضيح الطريق الاساسية المباشرة التي كانت تصل هذين الادبين في الماضي ،وهذه الطريق الاساسية المباشرة هي طريق الترجمة والنقل المباشرة من اللغة الاصلية ، ولذا درسنا هـــذا الموضوع ليتضح الفرع او الفروع الادبية التي كانت فيها الكتب المترجمة من اللغة البهلوية الى اللغـــة العربية ، ومن اي فئة او صنف كانت تلك الكتب ، ومن اي نوع كانت موضوعاتها ، واي نوع من الكتب او من الاثار والكتابات الادبية العربية ظهرت بتأثير منها ، وامثال هـــذه المسائل التي تحتاج طبعاً الى بحث وتحقيق ، ولكن دائرة بحثنا في هـذا الجزء الاول لم تتجاوز طائفتين فقط من هذه الكتب المترجمة ، احداهما تلك الطائفة من الكتب التي كانت تؤلـّف عن الملوك ، وامور سياسة المملكة وادارة الدولة واشباهها ، وهي الكتب التي كانت تدعى عادة « تاجنامه » والثانية تلك الطائفة من الكتب التي كانت تدور حول القواعد والرسوم والآداب ، وبعض الموضوعات العلمية او الاختصاصية او الفنية ، وكانت تدعى « آيين نامه » .

وثمة ، غير ما ذكرنا ، موضوعات اخرى اوسع للدرس والتحقيق في هذا المضمار ، مثل فرع الرسائل الادبية ، وكتب العهود ، وفرع التاريخ ، والقصة ، والحكايا ، والآداب او التعاليم الاخلاقية ، وكثير من الموضوعات الاخرى التي تحتاج جميعها للتحقيق والدرس والتمحيص .

س ـ انكم تلحون دائماً ، سواء في محاضراتكم او في كتاباتكم ، على ان تعلم اللغة والآداب الفارسية ضروري لفهم اللغة والآداب العربية فهماً افضل وللبحوث

والتحقيقات المتعلقة بها ، ولهذا السبب نفسه صار تعليم اللغة الفارسية في الجامعة اللبنانية ضمن الدروس الاساسية الاجبارية لطلاب الادب العربي والتاريخ ، وبما ان هذا الموضوع جديد ويحتاج الى توضيح اكثر ، فهل من الممكن ان تذكروا لنا ما عندكم من ادلة على صحة نظريتكم ؟

ج - صحيح انني في كتاباتي واقوالي ألح على هذا الموضوع ، ولكنني لست انا من اوجد هذا الرأي ، بل هو رأي تفرضه علينا الدراسات والبحوث اللغوية والتاريخية والادبية ، وانا واثق من ان التحقيقات التاريخية والعلمية في اللغتين ، وبخاصة في اللغة العربية، كلما اتسعت وازدادت عمقاً و كمية ، ازدادت الرابطة التاريخية بين اللغتين وضوحاً وازددنا من هذا الرأي يقينا . ان الاسباب التي توجب على طلاب الفروع الادبية في الجامعات العربية تعلم الفارسية ، هي نفسها ما يوجب على طلاب الفروع الادبية في جامعات ايران وسواها من البلاد الناطقة بالفارسية تعلم العربية ، وهي الروابط الثقافية والتاريخية والتلاقح اللغوي بين هاتين اللغتين ، والاثار الكثيرة الموجودة من كل منهما في الاخرى ، لان هاتين اللغتين متداخلتان متمازجتان - كما ذكرنا - على الصعيدين الثقافي والادبي بحيث يبدو من الصعب في ميدان البحث والتحقيق فصلهما وتفكيكهما ، وهما تؤلفان في جميع المؤسسات العلمية والاستشراقية وحدة تحقيقية متكاملة وموضوعاً دراسياً واحداً . فمثلاً على الصعيد اللغوي ، ان من يريد التخصص في اللغة والاداب العربية ، وتحري اصول الكلمات العربية وتطوراتها ، يلقى لتعلم اللغة الفارسية الحاجة نفسها التي يلقاها لتعلم اللغة العربية طالب التخصص في اللغة الفارسية وآدابها ؛ صحيح ان اثر اللغة العربية في اللغة الفارسية اوضح واكثر ، ولكن هذا لا يبدل شيئاً من اصل الموضوع ، لان هذه الحاجة لتعلم اللغة الفارسية التي نقول بها لطلاب العربية ، هي كما ذكرنا على صعيد التخصص لا على المستوى العادي ، ونحن نقول بالأمر المقابل ايضاً وبوجوب تعلم اللغة

العربية على المتخصصين في اللغة والاداب الفارسية ، لان الكاتب او القـاريء العادي او من يعمل في الفروع العلمية والفنية ولا يتعاطى الشؤون اللغوية او الدراسات الادبية ، يكفيه ان يفهم جيداً المعنى المصطلح عليه لكلمة من الكلمات ، ولا حاجة به لان يعرف اصل هذه الكلمة وجذرها وكيفية اشتقاقها وتطورها او تطوراتها التاريخية ؛ انه لحسن طبعاً ان يعرف هذه الامور كذلـك الى جانب معنى الكلمة المصطلح عليه ، ولكنه ليس حاجة ضرورية ، اما بالنسبـة لطالب الآداب والدراسة والبحث العلمي ، فـــان الأمر مختلف ، اذ يصبح من الواجب على طالب الادب العربي ان يعرف جيداً أهم لغة اثرت في اللغة العربية على صعيد المفردات وعلى صعيد العطاء الادبي ، اعني اللغة الفارسية التي نفذمنها الى اللغة العربية مئات والوف من الكلمات المعلومة والمجهولة ، كما يصبح فرضاً على طالب الادب الفارسي ان يتعلم اللغة العربية والادب العربي لدرجة تساعده على الفهم فهماً صحيحاً للغة والاداب الفارسية وتطوراتها .

ومن الميادين الاخرى التي توجب على المحققين العرب تعـــلم الفارسية ميدان التاريخ وبخاصة تاريخ الثقافة والمدنية في هذه المنطقة العربية والاسلامية ، ولا ضرورة هنا للتكرار ان الثقافة العربية والاسلامية مازجت الثقافة الفارسيـة الايرانية في العصر العباسي مزاجاً يصعب معه استقلال اي منهما عن الاخرى ، وان الثقافة الفارسية كانت دائماً في مختلف العهود الاسلامية احد الينابيع الفياضة للثقافة والمدنية العربيتين ، وعليه فان المؤرخ العربي كلما اراد تحقيقاً في ميدان التاريخ السياسي العام او في تاريخ الثقافة العربية ، يكون متخلياً عن احـــد الينابيع الاساسية الهامة لدراسته اذا هو جهل تاريخ ايران وثقافتها في افضل مظاهرهما ، اعني اللغة الفارسية. ويجب القول ، حين نتحدث عن التاريخ العربي العام الذي ليس منفصلاً على اي حال عن تاريخ الاسلام ، وعن التحقيق والدراسة حول هذا التاريخ ، انه بعد عهد المغول ، فضلاً عن العهود السابقة لهم التي ظهر

فيها عدة مؤلفات تاريخية ، ألفت لقسم كبير من العالم الاسلامي تواريخ هامة باللغة الفارسية لم تعرف اللغة العربية في هذا الميدان مؤلفات بأهميتها ، وكل تحقيق تاريخي بشأن تلـك العهود يتم دون الرجوع الى تلك المصادر سيكون ناقصاً وغير واف .

هذه وسواها من الموجبات التي ليس هنا محل تفصيلها ، هي التي تجعلنا نقول ان اللغتين العربية والفارسية تكملان بعضيهما في الميدان العلمي الدراسي ، وانهما محتاجتان لبعضيهما بنفس النسبة ولا يمكن لاحداهما الغناء عن الاخرى .

س — بصرف النظر عن الصعيد التاريخي وميدان البحث في الادب العربي القديم ، ما فائدة تعلم اللغة الاداب الفارسية اليوم للطلاب العرب ؟

ج — ان هذا السؤال هام بل هو ضروري ، لكي لا يبدو ، مما تقدم من اقوال ، ان تعلم اللغة الفارسية يفيد فقط العلماء الاختصاصيين الذين يرغبون في التحقيق في اللغة او التاريخ او الثقافة العربية الماضية ، او أنها ليست لغة تستطيع اليوم ان ترضي قارئاً معاصراً . فهنا ارى من الواجب ان اشير بصورة اجمالية الى ان لاداب اللغة الفارسية وبخاصة منها آدابها المنظومة وجهاً انسانياً عالمياً اكثر مما لها من وجه اقليمي محلي ، لذا فانها تقدم للقاريء غير العربي تلك اللذاذات الروحية والجمالات المعنوية التي تقدمها للقاريء الايراني ، وهذا هو السبب في اننا قلما نجد لغة ترجمت آثارها الادبية والفكرية الى اللغات الاخرى بمقدار ما ترجمت اليه اللغة الفارسية على كثرة ما بها وعلى تنوع ما اعطت من آثار ادبية جمة ، وعلة ذلك ان الادب المنظوم في اللغة الفارسية ، وبخاصة منه ما استمد مادته من العرفان الايراني ، هو صدى لافكار الانسان وتأملاته وأمانيه الخفية العميقة في كل حين وفي كل بقعة ، دون ان يختص بزمان معين او مكان خاص ، فكل من تُرجم هذا الادب الى لغتهم ، سيجدون في ثنايا

سطوره وخلال كلماته تعبيراً عن مكنوناتهم الداخلية الخاصة ، وعليه فــان الطلاب العرب سيعودون من دراسة هذه الاداب وتحصيلها بعميم الفوائد وبمنافع كثيرة لعل اهمها اتساع افاق نظرتهم الانسانية والاممية ، ولعله يمكن القول في العصر الحاضر الذي يجب اختياراً او اضطراراً ، أن يسير في درب الوحدة الانسانية والعالمية ، ان ادباً كالادب الفارسي ، هو عصارة افكار الحكماء وزبدة تجارب الحكماء والمتأملين وذوي الفكر ، ستكون له رسالة جد سامية ، هي نشر مبادي حب الانسان والانفتاح على العالم الكلي ، وكسر الحلقات الضيقة التي تحصر البشرية اليوم – كحالها في العهود المظلمة الماضية – في إسار قيودها ، ولعل في دراسة الفارسية وادابها ، على اساس هذا القصد وانطلاقاً إلى هذه الغاية وحدها ، جواباً على كثير من المشكلات الروحيـة والنفسية المعنوية التي يعانيها العصر الحاضر .

الجامعة اللبنانية
قسم اللغة الفارسية وآدابها

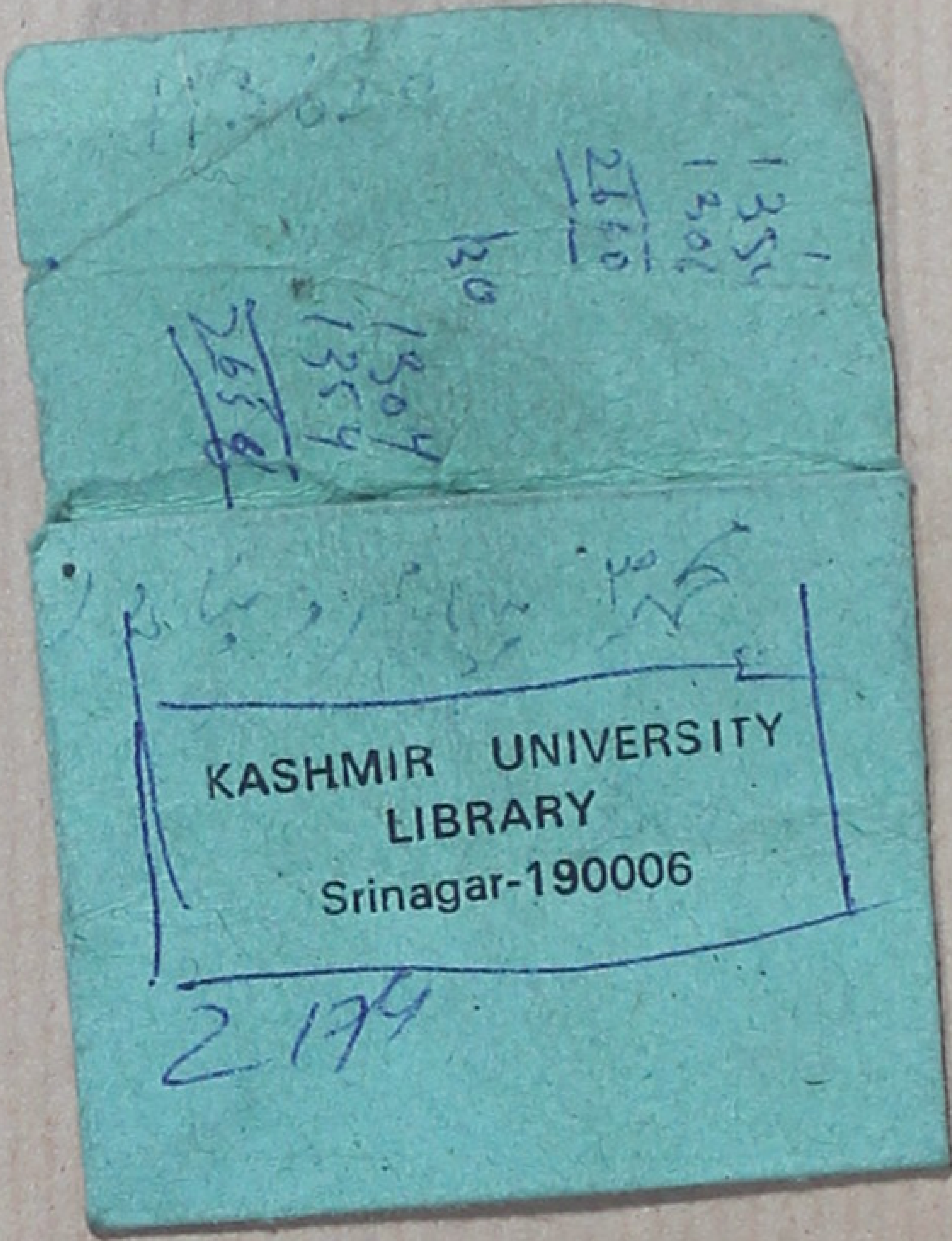
حديث أدبي

حول :

لماذا كان تعلم كل من العربية والفارسية ضرورياً لدراسة اللغة الاخرى وآدابها

خلاصة مقابلتين تلفزيونيتين في بيروت مع رئيس قسم اللغة الفارسية وآدابها في الجامعة اللبنانية

بيروت ١٩٦٦ م.



Title Mantakhab-ul-Lughát-i-

Author Sháhi jahání.

Accession No. 26402

Call No. 891.503 K, 41 M

Borrower's No.	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date